

290

دیوان دآوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

بنام خدا

پرونده شماره ۱۲۱

شعبه دو

حکم شماره ۲-۱۲۱-۲۷۹

جرج دبلیو دراکر، جونیور،

خواهان،

- ۹ -

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دارگاه دآوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	25 JUL 1988
تاریخ	۲ / ۵ / ۱۳۶۷

شرکت معاملات خارجی،

شرکت بیمه ایران،

سازمان غله، شکر و چای کشور،

خواندگان.

CERTIFIED  
COPY

فتو کپی گواهی شده

نظر جداگانه قاضی خلیلیان

۱ - نکته مندرج در پایان بند ۳ حکم که بر سبیل استطراد آمده توضیحی زاید و بکلی خارج از موضوع پرونده می باشد. باتوجه به بندهای ۳۴ و ۳۵ حکم در می یابیم که خواهان پرونده فقط یک فرد است به نام جرج دبلیو دراکر، جونیور که اگر می توانست مالکیت خود را اثبات کند، به تنهایی کنترل شرکت ساوث گلدف را نیز در اختیار می داشت. بنابراین پس از تصریح حکم به اینکه این خواهان منحصر بفرد نتوانسته است پاسخگوی شرایط مندرج در ماده (۲) ۷ باشد، دیگر ایهام فرض دیگری برای اثبات صلاحیت دیوان، امری کاملاً زاید است. فرضی که خواهان ممکن بود همراه بادیگر اتباع

امریکایی واجد نفع مالکانه کافی در ساوث گالف، برای تحقق کنترل بر آن، باشد. ما می دانیم که در این پرونده خواهان فقط یک نفر است و تعبیر "چنین اتباعی" در ماده ۷(۲) بیانیه ناظر به مورد خواهانهای متعدد است این ماده چنین مقرر می دارد:

"ادعاهای اتباع ایران و یا ایالات متحده برحسب مورد عبارت است از ادعاهایی که از تاریخ بوجود آمدن ادعا تا تاریخ رسمیت یافتن این بیانیه مستمرا" در اختیار اتباع آن کشور بوده‌اند، شامل ادعاهایی که بطور غیرمستقیم، از طریق مالکیت سرمایه و یا سایر علائق مالی، در مورد اشخاص حقوقی، در مالکیت این اشخاص بوده‌اند مشروط به اینکه منافع مالکیت چنین اتباعی، مجتمعا" در زمان اقامه ادعا برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر در حد لازم بوده..."

۲ - بی گفتگوست که این ماده به سهامداران شرکت زیان‌دیده اجازه طرح دعوا بجای آن شرکت داده است، و تعبیر "چنین اتباعی" در ماده مزبور بوضوح اشعار می دارد که استثنا بر اصل تفکیک شخصیت شرکت از سهامدارانش" که در بیانیه پذیرفته شده، فقط محدود به موردی است که سهامدار مدعی به تنهایی، و یا سهامداران مدعی در مجموع، واجد اکثریت منافع و کنترل در شرکت زیان‌دیده باشند. پس تنها در چنین صورتی است که آنها حق اقامه دعوا در برابر این دیوان می یابند، در غیراینصورت، سرنوشت دعاوی شرکت، دستخوش میل و تصمیم اقلیت نخواهد گردید حتی اگرچه بخواهند فقط نسبت به حصه خاص خود اقدام کنند.

۳ - بخش بازگویی وقایع در حکم دچار اطناب است ولی بهر حال من نیز با این یافته موافقم که خواهان بر اثر تناقضگویی نتوانسته است مالکیت خود را بر شرکت ساوث گلف اثبات کند و می افزایم که حتی اگر اسناد موجود در پرونده از اصالت و صحت هم برخوردار بود هنوز جا داشت که ادعا بر پایه عدم رعایت قانون دویی - که قانون حاکم بر انتقال سهام است - رد شود. شعبه یک دیوان در یکی از احکام خود بخوبی به این نکته توجه داشته و تصمیم خود را بدین عبارت بیان داشته است:

"باتوجه به اینکه دبلیو ام. آر. تی / ایران در ایران تاسیس شده و لذا انتقال سهام باید طبق قوانین ایران انجام گیرد، دیوان بر این نظر است که نامه<sup>۶</sup> جونینجا برای اثبات اینکه نامبرده سهامش را قانونا" به شرکت یا

به چهار سهامدار باقیمانده منتقل کرده، کافی نیست" حکم شماره  
۱۰۸۵۶-۱ تا ۱۰۸۵۳-۲۸۲ بند ۵۸.

بنابر این، در پرونده حاضر نیز اگر مدارک موجود از اصالت و صحت برخوردار بودند بیشک دیوان  
به نتیجه‌ای مشابه می‌رسید.

لاهمه،

تاریخ ۳ مرداد ماه ۱۳۶۷ برابر با ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۸



سید

---

سید خلیل خلیلیان